

نقد و بررسی جایگاه حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران با نگاهی به منشور حقوق شهروندی

محسن طاهری (عضو هیات علمی گروه حقوق، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران) taheri.publiclaw@hotmail.com

چکیده

امروزه مفهوم شهروندی به عنوان منزلتی اجتماعی در نگرش به جامعه مدنی تلقی می‌شود و شهروند به عنوان عضو یک جامعه سیاسی فردی است که دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت می‌باشد. توجه به حقوق شهروندی در هر جامعه‌ای باعث قوام، مشروعیت و استمرار نظام سیاسی حاکم را فراهم خواهند آورد. این حقوق دارای ابعاد مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قضائی می‌باشد و چگونگی کمیت و کیفیت بهره‌مندی از آن در هر جامعه از شاخصه‌های توسعه و از مولفه‌های حکمرانی خوب می‌باشد.

امروزه در جامعه ایران اسلامی، شناسایی حقوق شهروندان در متن قانون اساسی و سایر قوانین، را باید گامی اساسی در پیشرفت و توسعه اجتماعی ارزیابی کرد. در این مقاله سعی خواهیم داشت با نگاهی آسیب شناسانه به نقد و بررسی جایگاه و حدود حقوق شهروندی در نظام حقوقی موجود بپردازیم. در این خصوص ابتدا جایگاه حقوق شهروندی را در قانون اساسی و سپس قانون احترام به آزادیهای مشروع شهروندان و دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ آن مورد تبیین قرار خواهیم داد. در انتها نگارنده سعی دارد به نقد و بررسی منشور حقوق شهروندی به عنوان یکی از جدیدترین مصوبات در حیطه حقوق شهروندی بپردازد. در مجموع قوانین و مصوبات موجود در زمینه حقوق شهروندی ایران، حاوی نکات مثبت و منفی زیادی است و می‌توانیم آنها را گامی در جهت تثبیت ایده شهروندی در دوران معاصر به حساب آوریم؛ اما نمی‌توان آنها را اقدامی جامع برای تضمین حقوق شهروندی و تشریح جزئیاتی که کلیات آن در قانون اساسی بیان شده، محسوب داشت. نگارنده در هر قسمت ضمن نقد و بررسی قوانین موجود سعی کرده در انتها پیشنهادهایی را نیز ارائه کرده باشد.

واژگان کلیدی: نقد، حقوق شهروندی، نظام حقوقی، قانون اساسی، قانون عادی، منشور.

مقدمه

حقوق شهروندی از مباحث بسیار مهم و نوظهور معاصر است که به طور ویژه به برتری و عدالت توجه دارد و امروزه در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه خاصی پیدا کرده است. شهروندی منزلتی برای یک فرد در ارتباط با یک دولت است که از نظر حقوق بین‌الملل نیز محترم شمرده می‌شود. شهروند عضو یک جامعه سیاسی است که دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت است (گیدنز، ۱۳۵۴، ۷۹۵). حقوق شهروندی دارای ابعاد مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قضائی می‌باشد. چگونگی کمیت و کیفیت حقوق شهروندی در هر جامعه، از شاخصه‌های توسعه و از مولفه‌های حکمرانی خوب رعایت و تضمین اجرای آن برای آحاد جامعه است (پروین، ۱۳۹۱، ۴۸).

به دنبال تحولات اجتماعی و انقلابهای سیاسی در دو قرن گذشته و فروپاشی بنیان حکومت‌های خودکامه و پیدایش مفاهیم جدید در ادبیات سیاسی و حقوقی، دوره جدیدی در تجربه تاریخی بشر رقم خورد. پیدایش مجالس قانونگذاری، تفکیک قوای

حکومتی، تحدید قدرت سیاسی و ظهور قوانین اساسی به عنوان میثاقی عمومی میان حاکمیت سیاسی و شهروندان، افق نوینی را در تنظیم و شفافیت روابط متقابل دولت و شهروندان گشود و حقوق و امتیازات شهروندان در قوانین اساسی دولتهای جدید جایگاهی ممتاز یافت (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۸، ۴).

حقوق شهروندی از مفاهیمی است که در سالهای اخیر کاربرد آن در جامعه ایران نیز به نحو چشمگیری رو به افزایش نهاده است. اما این مفهوم در گفتمان حقوقی و سیاسی کاربرد روشن و محتوای محصلی ندارد. هر چند پیدایش این مفهوم جدید و اقبالی که به آن شده است معنادار است. از این رو که حکایت از خواست عمومی برای به رسمیت شناختن حقوق بیشتر دارد. حقوقی که در مجموعه حقوق قبلی نیستند یا ناکارآمدند (سلطانی، ۱۳۸۵، ۱۱۳). بنابراین بررسی و گفتگوی نقادانه پیرامون این موضوع می‌تواند جایگاه مهمی در میان پژوهشهای حقوقی داشته باشد.

در مقاله پیش رو در قسمت اول نگارنده جهت آشنایی مخاطب با کلیات موضوع به بررسی مفهوم و پیشینه و جایگاه حقوق شهروندی می‌پردازد. در قسمت دوم سعی شده که به بررسی، نقد و آسیب شناسی حقوق شهروندی در مهمترین قوانین جمهوری اسلامی ایران بپردازیم. در این مختصر فرصت تحلیل و نقد همه مواد قانونی که با حقوق شهروندی مرتبط است وجود ندارد و بررسی آنها مجال واسعی را می‌طلبد؛ بنابراین ابتدا به بررسی و نقد جایگاه، حدود و جنبه‌های مختلف حقوق شهروندی از منظر قانون اساسی ایران به عنوان مهمترین و عالی‌ترین سند در این خصوص خواهیم پرداخت. در ادامه بررسی جایگاه حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران سعی خواهیم کرد با نگاهی نقادانه قانون احترام به آزادی‌های شهروندی و حفظ حقوق شهروندان و دستور العمل اجرایی بند ۱۵ آن و در قسمت آخر منشور حقوق شهروندی که یکی از جدیدترین اسناد پیرامون حقوق شهروندان است را به عنوان مصوبات زیر مجموعه قانون اساسی، مورد بررسی قرار دهیم. امیدواریم مطالب مطرح شده در پژوهش حاضر در اصلاح قوانین موجود و تهیه اسناد جایگزین مفید و مورد توجه پژوهگران و مسئولین ذیربط واقع گردد.

۱- مروری بر ادبیات موضوع

در این قسمت به اقتضای حجم مقاله و به منظور ورود به بحث اصلی، ناگزیر از مروری گذرا بر ادبیات بعضی مفاهیم بنیادین مورد استفاده در پژوهش هستیم که به شرح ذیل می‌باشد:

۱-۱- شهروند

در زبان فرانسه کلمه شهروند از شهر (cite) می‌آید و سیته از واژه لاتینی سیویتاس (civitas) مشتق است که تقریباً معادل کلمه (polis) در زبان یونانی است که به معنای شهر است (پللو، ۱۳۷۰، ۱). واژه شهروند در ادبیات ما واژه‌ای تازه و نو است به طوری که حتی در فرهنگهای عمومی مثل فرهنگ معین و عمید مورد بررسی واقع نشده است. در فرهنگ روز سخن شهروند به معنی "اهل یک شهر یا یک کشور" (انوری، ۱۳۸۳، ذیل واژه شهروند) و در فرهنگ فارسی امروز شهروند را "کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار می‌شود" (صدری افشار، ۱۳۷۷، ذیل واژه شهروند) تعریف نموده است. همچنین در فرهنگ علوم سیاسی شهروند چنین تعریف شده است: "کسی که از حقوق مدنی یا امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است" (آقابخشی و افشاری، ۱۳۸۳، ذیل واژه شهروند).

اما در اصطلاح شهروندی در بعد اجتماعی ایده‌ای است که در اروپای غربی زاده شد و در قرن شانزدهم همزمان با فراگیر شدنش انتشار یافته است. مفهوم شهروندی اهمیت بسیاری برای علوم اجتماعی به منزله یک کل داشته و نیز برجستگی ویژه‌ای در نظریات سیاسی و جامعه‌شناسی دارد (ترنز، ۱۳۸۶، ۱۵۴). این مفهوم که بر اساس زندگی شهری در جوامع مدنی شکل گرفته عبارتست از عضویت در جامعه ملی که موجب به وجود آمدن مجموعه‌ای از حقوق برابر مبتنی بر عدالت می‌شود (Cohen and

(Kenedy, ۲۰۰۰, p ۸۲). شهروندی پایگاهی است که به تمامی افرادی که عضو تمام عیار اجتماع هستند داده می‌شود و این افراد همگی دارای جایگاه برابر و حقوق و وظایف و تکالیف متناسب با این پایگاه هستند (Fridman, ۲۰۰۲, p ۱۶۸). در واقع شهروندی موقعیتی است که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است و بر برابری و عدالت و استقلال دلالت دارد (کیث، ۱۳۸۰، ۲۴). امروزه شهروندی به شدت از نحوه نگاه معطوف به انسان بلوغ یافته، توانایی‌های وی و چگونگی شرکت دادن و سهمیم کردن او در وضعیت و سرنوشت حیات فردی، اجتماعی متأثر است (قادری، ۱۳۸۹، ۴۶).

۱-۲- حقوق شهروندی

حقوق شهروندی در کشورهای غربی زیر مجموعه علوم سیاسی قرار می‌گیرد و بیشتر ناظر به حقوق مشارکت شهروندان در اداره امور کشور است و ابعاد متفاوت آن را در بر می‌گیرد، از این رو به حقوق سیاسی و حقوق عمومی به معنای اخص نزدیک می‌شود. حقوق شهروندی در آن مفهوم که بر ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین حقوق تمام افراد بشر دلالت دارد؛ به هیچ وجه محدوده‌ای به نام شهر و روستا ندارد و نامگذاری آن به این عنوان تنها ناشی از مسامحه و ترجمه از واژه انگلیسی (citizenship rights) می‌باشد (السان، ۱۳۷۸، ۳).

بنابراین حقوق شهروندی مجموعه‌ای از حقوق با هر درجه از اهمیت است که در قلمرو حکومتی برای اتباع آن قلمرو شناخته شده است (صادق منش، ۱۳۸۷، ۲۱۸). در تعریف جوهری شهروندی، عضویت شهروند در محدوده حاکمیت دولت ملی با تاکید بر حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی هر شهروند همراه است. بنابراین چنین حقوقی را مجموعه حقوق شهروندی گویند (پیران، ۱۳۸۵، ۴۷).

۲- نگاهی گذرا به پیشینه و تحولات حقوق شهروندی

۲-۱- در غرب

مفهوم شهروند را می‌توان از حیث دیرینگی به یونان باستان نسبت داد. این مفهوم به کسانی که به دلیل سکونت در دولت-شهر، دارای حقوق سیاسی بودند، اطلاق می‌گردید (علیدوستی، ۱۳۸۸، ۵۰-۵۱). مفهوم شهروندی در معنای باستانی خود بر مفهوم برابری حقوق و وظایف در برابر قانون و مشارکت سیاسی فعال دلالت داشته است. در گذشته شهروند بودن یعنی توانایی حکومت کردن و حکومت شدن که البته این امر برای افراد آزاد امکان‌پذیر بوده است (فلاح زاده، ۱۳۸۶، ۴۹).

در روم قدیم نیز اتباع کشور به دو دسته تقسیم می‌شدند: شهروندان یعنی رومیان اصلی که از حقوق و مزایای بیشتری برخوردار بودند و رعایا یعنی اقوام و ملل دیگر که تحت تسلط حکومت رومیان بودند (رضایی پور، ۱۳۸۵، ۱۱). در این دوران شهروندی به افراد و گروههایی اعطا می‌شد که به روم خدمت می‌کردند (فلاح زاده، ۱۳۸۶، ۵۰).

اولین فیلسوف و متفکر سیاسی که به مفهوم شهروند در تئوری‌های سیاسی پرداخت افلاطون بود. افلاطون در کتاب جمهوری که در آن الگوی ابرشهر را به دست داد، شهروندان را یکی از محورهای اصلی تاسیس دولت و حکومت مطلوب قرار می‌دهد. ارسطو نیز به بحث در زمینه شهروندی می‌پردازد و شهروند را کسی می‌داند که در حکمرانی و فرمانبرداری سهمیم باشد (افلاطون، ۱۳۵۵، ۱۳۲). ارسطو شهر را جامعه متشکل از شهروندان تعریف می‌کند (سلطانی، ۱۳۸۵، ۱۱۳).

در این میان هر چند امروزه حقوق شهروندی پدیده‌ای جدید محسوب می‌شود اما آموزه‌های فلسفی باستان و همچنین آموزه‌های مذهبی ادیان توحیدی مانند مسیحیت و اسلام بر اصالت آن گواهی می‌دهد. نقش آموزه‌های مذهبی به‌ویژه در حوزه حقوق طبیعی و فطری بی‌گمان در تکوین شاکله نوین این مفهوم در غرب قابل انکار نیست (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۸، ۵-۶).

شهروندی را در مفهوم کنونی خود می‌توان ساخته دیدگاهی دانست که بعد از انقلاب صنعتی و به دلیل ضرورت‌های آن دوران تقویت گردید. در یک سیر کوتاه باید اذعان داشت، حقوقی که به طور نظری در قرن ۱۷ و ۱۸ تحلیل شده بود، در اوایل قرن ۱۹ و با برتری انقلاب صنعتی از لحاظ سیاسی تثبیت گردید و در اواخر آن قرن استقرار یافت (السان، ۱۳۸۷، ۵). شهروندی به مثابه یک سامانه حمایت فردی در سده بیستم در واکنش به موضوعاتی مانند محرومیت نژادی و دیگر شکل‌های نابرابری اقتصادی و تفاوت‌های موجود در قدرت در مورد گروه‌های مانند زنان، کودکان و ناتوانان توسعه یافت (ترنز، ۱۳۸۶، ۱۵۵). در ادامه حمایت از حقوق شهروندی در پی روند جهانی شدن حقوق بشر بود. این دوره با حمایت از اقلیت‌ها و گروه‌های خاص شروع شد و به تدوین برخی اسناد بین‌المللی درباره برخی اقشار و برخی اقلیت‌های دینی و ملی انجامید.

۲-۲- در ایران

هر چند حقوق شهروندی با این عبارت در اروپا پا گرفته، ولی از دید مفهومی این حقوق در ایران و اسلام سده‌ها پیش از اروپا مدون شده است. اعلامیه کوروش بزرگ پس از رسیدن به قدرت که با آسانگری و خردمندی در برخورد با دیگر اقوام و آیینها همراه بود نمونه‌ای از دیرینگی توجه ایرانیان به حقوق شهروندی است (افضلی، ۱۳۸۹، ۱۱۰). همچنین در بسیاری از آموزه‌های دین مبین اسلام توجه به مبانی و جنبه‌های مختلف حقوق شهروندی کاملاً مشهود است.

در تاریخ معاصر ایران چندان نمی‌توان جایی برای حقوق شهروندی پیدا کرد. نظام شاهنشاهی و پادشاهی حاکم بر ایران، چندان توجهی به آرا و حقوق مردم نمی‌کرد. یکی از اهداف انقلاب اسلامی ایران نیز توجه به همین نقض حقوق مردم بود (جنیدی، ۱۳۷۸، ۳۵). یکی از مشهورترین اسناد مربوط به حقوق شهروندی در دوران معاصر، فرمانی است که در زمان ناصر الدین شاه و توسط امیر کبیر صادر شد و در آن بر رعایت حقوق مردم توسط حاکمان و نمایندگان آنان تاکید شده است. به دنبال انقلاب مشروطه، ایران برای نخستین بار صاحب قانون اساسی مدون گردید. قانون اساسی مشروطه به عنوان میثاقی ملی، قدرت مطلق پادشاه را محدود ساخت. در متمم قانون اساسی مشروطه در فصلی با عنوان حقوق ملت، مهمترین حقوق فردی و شهروندی در هجده اصل (اصول ۸ تا ۲۶) مورد تاکید قرار گرفت.

در ادامه پیدایش دولت مطلقه در عصر پهلوی کارکرد و کارآمدی قانون اساسی را با چالش مواجه ساخت. عدم رعایت این گونه قوانین در سالهای حکومت خاندان پهلوی در ایران بسط یافت و حقوق مردم مورد نفی و انکار قرار گرفت. با وقوع انقلاب اسلامی ایران، دومین قانون اساسی مدون در سال ۱۳۵۸ به تصویب رسید. در قانون اساسی جدید به منظور نهادینه کردن حقوق و امتیازات ملت که شامل آحاد مردم ایران از اقوام و ادیان و مذاهب گوناگون بود، فصل جداگانه‌ای در نظر گرفته شد که به نوعی می‌توان آن را پایه و اساس حقوق شهروندی در جامعه ایرانی و اسلامی به حساب آورد (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۸، ۴).

۳- رابطه حقوق شهروندی و حقوق بشر

به علت خلط مفهوم حقوق شهروندی با حقوق بشر در بسیاری از پژوهش‌ها و قوانین موجود جا دارد که در این قسمت در جهت غنای مطالب مقاله، به بررسی کوتاهی پیرامون رابطه این دو مفهوم با یکدیگر بپردازیم. لازم به ذکر است که مفهوم حقوق شهروندی جدیدتر از واژه حقوق بشر است و آغاز شهروندی را می‌توان مصادف با پیدایش دولتهای ملی دانست؛ زیرا با ظهور این دولتها افراد جامعه دارای حقوق و تکالیفی می‌شوند که در نظامهای قبلی برای رعیتها متصور نبود (تقی‌پور، ۱۳۹۰، ۳۵). بنابراین امروزه حقوق شهروندی اغلب در کنار مفهوم حقوق بشر مطرح می‌شود و این مفاهیم گاه به عنوان مترادف و جانشین یکدیگر به کار می‌روند، اما در تفکیک مفهومی، مرزهای ظریفی میان این دو وجود دارد (کلی کیت، ۱۳۸۱، ۷۹).

حقوق بشر ناظر به حقوقی است که هر انسان به حکم انسان بودن خود از آن برخوردار می‌گردد. این دسته از حقوق انسانی می‌تواند فردی، جمعی، نسلی و جهانی باشد. حقوق بشر امروزی که در قالب منشورها و میثاق‌ها ظهور کرده، فارغ از دغدغه‌های ملی دولت‌ها به ترسیم حقوق افراد پرداخته است. اما حقوق شهروندی درجایی مطرح می‌گردد که حقوق بشر قرار است درون یک جامعه مدنی ذیل یک حکومت خاص شکل قانونی و اجرایی به خود گیرد (مصاحبه با اساتید، نظر دکتر جاوید، ۱۳۸۶، ۲۹). به عبارتی می‌توان گفت که بین این دو مفهوم رابطه عموم و خصوص مطلق حاکم است. یعنی تمامی ویژگیهای حقوق بشر، در حقوق شهروندی وجود دارد، اما نمی‌توان همه ویژگیهای حقوق شهروندی را در حقوق بشر ملاحظه کرد (تقی‌پور، ۱۳۹۰، ۳۵).

البته در نگاهی دقیق به معانی و منشا فلسفی این دو حق مبانی مشترکی خواهیم یافت؛ از جمله برابری، آزادی و خودمختاری انسان. اعمال حقوق شهروندی نیازمند بهره‌مندی از حقوقی است که آن را به عنوان حقوق بشر می‌شناسیم و بسیاری از این حقوق را میثاق‌ها و قطعنامه‌های بین‌المللی شناسایی و تضمین کرده‌اند. پشتیبان و تضمین‌کننده اصلی هر دو این حقوق نیز دولت‌ها محسوب می‌شوند. در واقع می‌توان گفت که حقوق مدنی و سیاسی منطقه هم‌پوشانی است که حقوق بشر و حقوق شهروندی را به هم مرتبط می‌نماید (فلاح‌زاده، ۱۳۸۶، ۶۱).

۴- بررسی حقوق شهروندی از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی انتظام بخش کلیه امور و شئون هر کشور و تعیین‌کننده روابط متعادل زمامداران و فرمانبرداران یک جامعه سیاسی است. التزام عملی بر اجرای این قانون مهم، ابواب و منافذ استبداد را مسدود، آزادی و حرمت افراد را تضمین و موجبات تلاش برای نیل به عدالت سیاسی و اجتماعی را فراهم می‌نماید (هاشمی، ۱۳۸۴، ۱۸۲). این قانون مجموعه‌ای از قواعدی است که روابط حکومت را با مردم و میزان اقتدار و وظایف قوای سه‌گانه و همچنین حدود حقوق و آزادیهای مردم را تبیین می‌کند. در حقوق داخلی هر کشور قانون اساسی در تارک هرم نظام حقوقی به عنوان مهمترین سند مورد توجه می‌باشد، از این رو بررسی آن در خصوص حقوق شهروندی نیز می‌تواند نتایج مفیدی در بر داشته باشد.

۴-۱- دسته بندی حقوق شهروندی مذکور در قانون اساسی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلمه شهروند به کار نرفته است، اما این امر دلیل بر آن نیست که قانون اساسی به حقوق شهروندان کشور بی‌اعتنا بوده است. این قانون با تکیه بر جهان‌بینی و ایدئولوژی الهی با شناخت ابعاد وجودی انسان، حقوقی را برای فرد برشمرده است و حد و مرز اعمال آزادی‌ها و نقطه تعامل بین حقوق ملت و دولت را ترسیم کرده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پس از تشریح اصول کلی، در یک باب جداگانه در فصل سوم به حقوق ملت پرداخته است و مهمترین حقوق شهروندی که البته بیان جزئیات آن با قانون عادی است را مورد اشاره قرار داده است. مهمترین حقوق شهروندی که قانونگذار اساسی ایران برشمرده را می‌توان در یک دسته‌بندی به صورت ذیل مورد بررسی قرار داد:

۱- حقوق مدنی: حقوق مدنی نخستین حقی است که در جامعه بوجود آمده است و روابط اشخاص را تنها از این جهت که عضو جامعه هستند، تنظیم می‌کند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران موارد متعددی از آن نهادینه شده که از جمله می‌توان به: حق امنیت و مصونیت از تعرض حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل (در اصل ۲۲)، حیثیت انسانی مساوی و برابری در مقابل قانون (در بند ۱۴ اصل ۳ و اصل ۱۹ و ۲۰)، ممنوعیت تبعیض ناروا (بند ۹ اصل ۳)، حفظ حریم خصوصی و تعرض ناپذیری مکاتبات (اصل ۲۵)، حفظ آزادیهای فردی (اصل ۳۲) و آزادی در بیان مطالب (اصل ۲۴) اشاره کرد.

۲- حقوق سیاسی: بخش مهمی از حقوق شهروندی در دولت مدرن مربوط به آزادی‌های سیاسی است. آزادی‌های سیاسی در جهان امروز اشکال متنوعی یافته است و قوانین اساسی کشورها و قوانین عادی، حدود و ثغور آن را مشخص نموده است. این حقوق

امکان مشارکت فعالانه مردم را در فرآیندهای آزاد حکومت فراهم می‌کند. قانون اساسی ایران در اصولی برخی از مهمترین آزادیهای سیاسی را یادآور شده است؛ که از جمله می‌توان به: محو هرگونه استبداد و خود کامگی و انحصارطلبی (بند ۶ از اصل ۳)، تامین آزادیهای سیاسی و اجتماعی و اهتمام دولت در به کار بردن همه امکانات جهت مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خویش (بند ۷ و ۸ از اصل ۳)، اتکا امور کشور به آرای عمومی مردم (اصل ۶)، عدم سلب آزادیهای مشروع حتی با وضع قانون (اصل ۹)، آزاد بودن نشریات و مطبوعات در بیان مطالب (اصل ۲۴)، آزادی احزاب و جمعیتها و انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی (اصل ۲۶) و آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیماییها (اصل ۲۷) اشاره کنیم.

۳- حقوق اقتصادی- اجتماعی: این حقوق همگام با حقوق مدنی و سیاسی به عنوان جز لاینفک اسناد و اعلامیه‌های حقوقی و قوانین اساسی کشورها مورد شناسایی واقع شده است. حقوق اقتصادی عبارت از حقوقی است که امکانات رفاهی حمایتی از فرد و خانواده‌های را به منظور ایجاد تعادل در زندگی شهروندان فراهم می‌آورد. حقوق اجتماعی نیز شامل فراهم آوردن شرایط مساوی بهره‌مندی از امکانات، مسکن و سلامتی برای همه اعضای جامعه می‌باشد. بر این اساس این امید خواهد بود که همگان از حداقل امنیت و امکان برابر فردی، در روند رشد اقتصادی، بهره‌مند شوند (عاملی، ۱۳۸۰، ۱۷۳). این دسته از حقوق نیز از نگاه تدوین کنندگان قانون اساسی مورد غفلت واقع نشده است و از جمله آنها می‌توان به: حق اشتغال و برابری در فرصتهای شغلی (اصل ۲۸)، برخورداری از تامین اجتماعی و خدمات درمانی (اصل ۲۹)، حق دارا بودن مسکن متناسب (اصل ۳۱)، تامین نیازهای اساسی و تامین شرایط و امکانات کار و رعایت آزادی مشاغل (بند ۱ و ۲ و ۴ از اصل ۴۳) و حق مالکیت (اصل ۴۶ و ۴۷) اشاره کنیم.

۴- حقوق فرهنگی: فرهنگ به مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه انسانی که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده، گفته می‌شود. فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و به عنوان یک میراث اجتماعی شناخته می‌شود. از جمله حقوق فرهنگی که مورد توجه قانونگذار اساسی ایران قرار گرفته می‌توان به: حق آموزش و پرورش رایگان (بند ۳ از اصل ۳ و اصل ۳۰)، به رسمیت شناختن آزادی مذهبی برای سایر مذاهب و اقلیتهای دینی و در نظر گرفتن آزادی عمل در اعمال مذهبی توسط اقلیتها (اصل ۱۲، ۱۳، ۱۴)، تدریس و استفاده از زبانهای محلی و قومی (اصل ۱۵) و منع تفتیش عقاید (اصل ۲۳) اشاره داشت.

۵- حقوق قضائی: در اصطلاح به حقوقی که در خلال رسیدگیهای قضائی امنیت قضائی شهروندان را تامین کرده و جلوی نقض حقوق شهروندان را می‌گیرد، گفته می‌شود. لازم به ذکر است که قانون اساسی ایران در خصوص حقوق قضائی به صورت مفصل بحث کرده و در آن سعی شده که تمامی جنبه‌های آن نهادینه گردد. از جمله حقوق قضائی که برای شهروندان در قانون اساسی در نظر گرفته شده می‌توان به: اصل برائت (اصل ۳۷)، اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها (اصل ۳۶)، حق انتخاب وکیل (اصل ۳۵)، امنیت قضائی (اصل ۳۲ و بند ۱۴ اصل ۳)، حق دادخواهی (اصل ۳۴)، منع شکنجه برای اقرار یا کسب اطلاع (اصل ۳۸)، منع هتک حرمت متهمین و زندانیان (اصل ۳۹)، ممنوعیت تبعید (اصل ۳۳)، ممنوعیت دستگیری بر خلاف قانون و الزام به تفهیم اتهام (اصل ۳۲)، رسیدگی علنی و بدون تبعیض (اصل ۱۶۵)، حق دسترسی به ادله قضائی و مستند و مستدل بودن حکم قضائی (اصل ۱۶۶)، اصل عطف به ما سبق نشدن قانون (۱۶۹)، رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی در حضور هیات منصفه (اصل ۱۶۸) و حق جبران خسارت ناشی از اشتباهات قاضی (اصل ۱۷۱) اشاره کرد.

۴-۲- نقد حقوق شهروندی مذکور در قانون اساسی ایران

تلاش قانونگذار اساسی برای مشخص و نهادینه کردن حقوق شهروندان در متن قانون اساسی در دوران معاصر از حیات جمهوری اسلامی ایران را باید گامی اساسی در پیشرفت و توسعه اجتماعی و حکمرانی خوب ارزیابی کرد. البته لازم به ذکر است

که صرف نهادینه کردن این حقوق در متون قانونی وافی به مقصود نخواهد بود، از این رو برای اجرای هرچه بهتر این حقوق توجه به نکات و نقدهای ذیل ضروری به نظر می‌رسد:

۱- تعدادی از اصول قانون اساسی (در مجموع ۱۶ اصل) بدون هیچ گونه قید و شرطی حقوقی را برای شهروندان در نظر گرفته است. مانع اصلی در تحقق هر چه بهتر این موارد در این امر نهفته شده که پیش‌بینی قانونی لازم جهت برخورد با اشخاص و دستگاه‌های که از اجرای این اصول ممانعت به عمل می‌آورند وجود ندارد و در واقع می‌توان گفت که این اصول فاقد ضمانت اجرای کافی هستند.

۲- اصولی از قانون اساسی ناظر بر حقوق شهروندی مشروط افراد است. از جمله شروط اساسی در این دسته از حقوق عدم اخلاص به میانی اسلام، عدم نقض استقلال، آزادی و وحدت ملی، عدم مخالفت با اسلام، مصالح عمومی و حقوق دیگران می‌باشد. چالش مهم تحقق این دسته از اصول قانون اساسی عدم تعیین حدود قانونی و کلی و مبهم بودن شروطی است که قانون‌گذار برای این حقوق در نظر گرفته است. همچنین تفسیرهای ارائه شده در مورد واژه‌ها و اصطلاحات به کار رفته که در عمل حتی دایره‌های جدیدی از قوانین را باز می‌نماید. به عنوان یک مثال بارز می‌توان به موضوع آموزش و پرورش رایگان که در قانون اساسی ذکر شده است و در مقابل ایجاد مدارس غیرانتفاعی در جامعه اشاره کرد. در برخی اصول نیز مرجع تشخیص این شروط معین نشده؛ یعنی مشخص نشده که دستگاه قضائی مسئولیت این امر را برعهده دارد یا دستگاه‌های اجرایی با صلاحدید و مصلحت‌های مسئولان و مدیران شروط را تشخیص می‌دهند.

۳- نکته دیگر در تحقق حقوق شهروندی که در قانون اساسی بیان شده است را می‌توان در فقدان تدوین قانون موضوعه در خصوص آن اصول دانست که جامعه و نظام قضائی را در مواجهه با این اصول با خلا حقوقی مواجه می‌کند. زیرا قانون اساسی به ذکر کلیات حقوق شهروندان می‌پردازد و نمی‌توان از این قانون عالی انتظار داشت که تمام جزئیات و نحوه برخورد با ناقضان این حقوق را نیز در متن قانون اساسی مشخص کند. بلکه این وظیفه قانونگذار عادی (مجلس شورای اسلامی) است که دامنه و گستره این حقوق را مشخص کرده و ضمانت اجراهای موثر برای ناقضان آن در نظر بگیرد.

۴- نکته مهم دیگر در این خصوص اجرای قانون در عمل از سوی دستگاه‌های اجرایی، انتظامی و قضائی است. استیفای حقوق شهروندان نیازمند سازوکار و ابزارهای خاص خود می‌باشد، به صورتیکه هر شهروندی که حقوق او پایمال شده است، بتواند علیه ناقضان احقاق حق کند و نظم قضایی نیز به گونه‌ای باشد که با استفاده از سازو کارهای مشخص و لازم، حقوق از دست رفته شهروند را به او بازگرداند. بنابراین تکلیف دیگر در این زمینه متوجه قوه قضائیه است که در این خصوص زمینه‌های لازم حمایتی و تحقق و اجرای حقوق شهروندی را در همه ابعاد فراهم کند.

۵- پیشنهاد آخر ایجاد دادگاه مستقل قانون اساسی جدای از جریان‌های سیاسی می‌باشد تا بتواند از تمامیت قانون اساسی حفاظت کند و به آن ضمانت اجرایی ببخشد. بنابراین همانطور که امروزه در برخی از قوانین اساسی کشورها وجود دارد، ایجاد یک دادگاه قانون اساسی از ابزارهای مهم تحقق کامل قانون اساسی به طور عام و حقوق شهروندی مذکور در آن، به طور خاص خواهد بود.

۵- بررسی حقوق شهروندی در سایر قوانین و مصوبات

همانطور که در نقد و بررسی قانون اساسی اشاره شد یکی از وظایف زمامداران و نظام قانونگذاری در جامعه در نظر گرفتن قوانین متناسب با اصول قانون اساسی در این زمینه می‌باشد. بنابراین قوانین عادی مکمل حقوق شهروندی در ساحت قضائی نباید به گونه‌ای تنظیم شود که با روح و مفاد اصول مذکور در قانون اساسی مغایر باشند. حق مردم در برخورداری از نظام قانونی و قضائی متناسب با نیازهای روز جامعه و با سازو کارهای مناسب از مسائلی است که با انتظام و تدبیر دقیق قابل دسترسی است. اما

متأسفانه در زمینه حقوق شهروندی ما شاهد این هستیم که در ایران این حقوق به نحو شایسته در متون قانونی نهادینه و تضمین نشده‌اند. در این خصوص ما به نقد و بررسی دو سند که از اهمیت بیشتری برخوردار است خواهیم پرداخت که در ادامه خواهد آمد.

۵-۱- نقد و بررسی قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندان

قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی با قید دو فوریت در جلسه ۱۳۸۳/۲/۱۵ در مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۱۶، یعنی فقط یک روز پس از تصویب آن در مجلس، با همان فوریت و تعجیل در شورای نگهبان به تایید رسید. این قانون مشتمل بر یک ماده واحده و ۱۵ بند و نیز یک دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ مصوب ۱۳۸۳/۸/۳۰ می‌باشد. طبق این ماده واحده از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی، دادسراها و ضابطان قوه قضائیه مکلفند در انجام وظایف قانونی خویش، موارد مندرج در این قانون را به دقت رعایت کنند و متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد. لازم به ذکر است که این قانون در ابتدا بخشنامه ریاست قوه قضائیه بوده است و در تاریخ یاد شده در مجلس شورای اسلامی توسط نمایندگان مجلس، عیناً و بدون هیچگونه تغییری به صورت قانون به تصویب می‌رسد. بنابراین حاصل اندیشه و ابتکار نمایندگان مجلس ششم نبوده است.

در حقوق داخلی تصویب این قانون را باید نقطه عطفی در قانونگذاری در عرصه حقوق بشر و شهروندی محسوب داشت و این قانون اقدامی است که در آن تلاش شده تا مجموعه حقوق شهروندی مندرج در قانون اساسی و معاهدات بین‌المللی که جمهوری اسلامی ایران به عضویت آنها در آمده است، در کنار هم گردآوری شود (السان، ۱۳۷۸، ۱۴). همچنین باید متذکر شد که مفهوم رعایت حقوق شهروندی نیز با صدور همین لایحه خطاب به دادرسان، ضابطان و ناظران زندانها و بازداشتگاههای سراسر کشور شکل جدی به خود گرفت. این قانون هرچند خلاءها و کاستی‌های بسیاری دارد و فقط از برخی حق‌ها و آزادی‌های شهروندان در امور قضایی حمایت می‌کند، اما تصویب آن گامی در جهت تثبیت ایده حقوق شهروندی در نوشتگان حقوقی ایران بود (کاظمی، ۱۳۸۶، ۱۲۳). با وجود این، تدوین چنین قانونی کاستی‌های بسیار دارد که باعث شده بسیاری از حقوقدانان نمره قابل قبولی به آن ندهند. در ادامه سعی می‌کنیم به اختصار به بعضی از مهمترین نقدهای وارده بر این قانون اشاره کنیم:

۱- این قانون در ابتدا به صورت بخشنامه بوده و بعداً به صورت قانون تدوین شده و در فرضی بسیار کوتاه و عجولانه در مجلس شورای اسلامی تصویب و با همان تعجیل، یعنی فقط دو روز بعد از تصویب در مجلس، توسط شورای نگهبان مورد تایید قرار گرفته است. تصویب سریع این قانون در مجلس و تایید فوری آن توسط شورای نگهبان، فی نفسه حاکی از آن است که در این زمینه‌ها مشکل اساسی‌ای (اعم از فشارهای سیاسی داخلی و بین‌المللی) وجود داشته که اقتضا تنظیم و تصویب چنین قانونی را می‌نموده است (قراچورلو، ۱۳۸۵، ۱۰۳).

۲- در مقام بررسی این قانون باید بگوییم که محتوای این قانون با عنوان بلندپروازانه آن انطباق ندارد. چراکه برخلاف تصویری که در تدوین قانون مدنظر قرار گرفته است، از یک سو حقوق شهروندی محدود به حقوق مندرج در قانون مذکور که بیشتر با دادگاه و دادرسی ارتباط می‌یابند، نیست؛ از سوی دیگر، دقت در رعایت تشریفات و انجام دادرسی به طور صحیح و قانونی، تنها راه حفظ حقوق شهروندی نیست. در واقع، مجلس شورای اسلامی به جای توجه به لایحه حقوق شهروندی و تاسیس نهاد ملی دفاع از حقوق شهروندی که بررسی آن در کمیسیون لوایح دولت متوقف گردیده، به تصویب این قانون اقدام کرده است؛ حال آنکه لایحه مذکور متضمن مقررات مفصلی در تضمین حقوق شهروندی بوده و قانون احترام به آزادیهای مشروع به هیچ وجه دربردارنده، تمامی آنها نیست (السان، ۱۳۷۸، ۱۸).

۳- حقوق و مواردی که در این قانون ذکر شده قبلاً در اصول ۱۹ تا ۴۴ قانون اساسی نیز مورد تاکید واقع شده‌اند یا در قوانین کیفری احصا شده‌اند و در واقع این قانون تاکید بر آنهاست. اگرچه آگاه کردن شهروندان از حقوق اساسی و قانونی آنها بسیار

مطلوب است؛ لیکن به نظر می‌رسد چنانچه ضمانت اجرایی بر اعمال قوانین سابق در نظر گرفته می‌شد، دیگر نیازی هم به تدوین قوانین جدید نبوده است. بنابراین به طور کلی این امر نادرستی است که ما اصول و محتوای قانون اساسی را مجدداً در چارچوب و قالب یک بخشنامه درآوریم و سپس آن بخشنامه را به قانون تبدیل کنیم.

۴- این قانون با دید صرفاً قضائی به حقوق قانونی افراد اشاره دارد و از جامعیت لازم برای رسیدگی به مجموعه حقوق شهروندان برخوردار نیست. برای مثال به مسائلی مانند رفاه، آگاهی و حق پیشرفت اشاره نمی‌کند (پورعزت و دیگران، ۱۳۸۶، ۱۵۶). بنابراین جامعیت و مانعیت لازم و کافی را برای برخورداری شهروندان از تمامی حقوق شهروندی فراهم نخواهد کرد.

۵- بند ۱۵ این قانون ناظر به وظیفه نظارتی رئیس قوه قضائیه در راستای حقوق شهروندی است. در اجرای این وظیفه دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ این قانون مورخ ۱۳۸۳/۸/۳۰ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید. در این دستورالعمل سازوکار این نظارت از طریق تشکیل هیات نظارت مرکزی و هیات نظارت و بازرسی استان اجرایی شده است (سواد کوهی‌فر، ۱۳۸۴، ۵). در واقع برای نظارت بر حسن اجرای این قانون به ضابطین قوه قضائیه اشاره شده است، درحالی‌که این ضابطین خود نقطه مقابل متهم هستند و نمی‌توان انتظار اجرای درست و مناسب این قانون را از آنها داشت. بنابراین در نظر گرفتن ضمانت اجرای دقیق و مناسب توسط یک نهاد مستقل می‌تواند نقش به‌سزایی در تحقق قانون مذکور داشته باشد.

۵-۲- نقد و بررسی منشور حقوق شهروندی

در ادامه نقد مهمترین قوانین مربوط به حقوق شهروندی مناسب است که منشور حقوق شهروندی را به عنوان یکی از جدیدترین اسناد پیرامون موضوع مقاله، مورد بررسی قرار دهیم. این منشور یکی از وعده‌های انتخاباتی رئیس‌جمهور وقت بوده است و هنگام ارائه گزارش کارکرد ۱۰۰ روزه دولت یازدهم به صورت پیش‌نویس بر روی سایت ریاست‌جمهوری قرار گرفت. در ادامه پس از اصلاح و بازنگری آن در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۹۵ در ۱۲۰ ماده تدوین گردید و طی مراسمی با حضور رئیس‌جمهور، حقوقدانان، وکلا و اساتید کشور رونمایی گردید.

۵-۲-۱- توسعه گفتمان حقوق شهروندی از طریق تدوین منشور حقوق شهروندی

در سطح داخلی و بین‌المللی تدوین این منشور به حکومت کمک می‌کند تا شهروندان و جامعه بین‌المللی متوجه شود که دولت ایران عزم و اراده جازمی دارد که حقوق بشر را جدی بگیرد. البته باید اشاره کنیم که در هیچ کشوری ما قانونی با عنوان حقوق شهروندی نداریم، بلکه این حقوق در چارچوب قوانین اساسی، مدنی، کیفری، حزبی و... تدوین می‌شوند. با این وجود حقوق شهروندی یک مفهوم جدی در همه جای دنیا محسوب می‌شود که توجه و ارج نهادن به آنها از مولفه‌ها و الزامات دولتهای مدرن امروزی است.

این سند حقوق شهروندی هدفش توسعه مبانی حقوق بشری قانون اساسی بوده و کاملاً به دنبال تحکیم و تقویت مبانی مردم‌سالاری در حوزه‌های مختلف گام برداشته است. در منشور حقوق شهروندی سعی شده همه حقوقی که برای ملت در قوانین مختلف وجود دارد را به صورت یکجا جمع‌آوری کرده و در نتیجه باعث سهولت دسترسی و شرح مبسوط‌تری را نسبت به آن احکام ارائه می‌دهد. مزیت دیگری که برای این منشور می‌توان متصور بود این است که بدین وسیله زمینه فرهنگ‌سازی پیرامون حقوق شهروندی آحاد ملت و نهادینه ساختن آن در جامعه خصوصاً در میان دستگاههای اجرایی را فراهم آورده است. همچنین بحث پیرامون حقوق شهروندی در نظام اجتماعی را دوباره به راه انداخته و این پدیده را به یک دغدغه در بستر اجتماع تبدیل کرده است.

در مجموع اصل نگارش یا تدوین منشور یا دستوری که باعث شود فرد یا نهادی خود را متعهدتر نسبت به تکالیف خود کند امری پسندیده است و شهروندان اغلب این نکته را به نوعی نشان از درک دولت و حسن نیت می‌دانند؛ اما ایراداتی به منشور حقوق شهروندی وارد است که باید رئیس جمهور و متخصصان به این امر توجه ویژه مبذول داشته باشند و سعی در اصلاح آن داشته باشند.

۵-۲-۲- نقد منشور حقوق شهروندی

نقد ابزار تعامل یک جامعه پویاست و انتقادهای منصفانه می‌تواند جامعه را به سمت پیشرفت هر چه سریعتر هدایت کند و حرکت جامعه را از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب پیش ببرد. از منظر نگارنده در خصوص منشور حقوق شهروندی می‌توان به مجموعه اشکالات و نقدها ذیل اشاره کرد:

۱- امروزه مطابق با اصول قانون نویسی مدرن، ابتدا قانونگذار تعریفی از مهمترین اصطلاحات به کار رفته در قانون انجام می‌دهد؛ اما در این منشور تعریفی از حقوق شهروندی ارائه نشده است. ارائه این تعریف از این جهت ضرورت دارد که تا تعریف جامع و مانعی از یک موضوع وجود نداشته باشد نمی‌توان مصادیق آن را مشخص کرد. همچنین نبود هرگونه تعریف از جرم سیاسی و جرایم امنیتی و مغایر با منافع و مصالح نظام و عدم تعریف دادرسی عادلانه که یکی از مهمترین مسائل روز حقوقی است در این منشور مشهود است.

۲- برخی از مواد و عناوینی که در این منشور آمده است (مواد ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۹) اصولاً از حقوق شهروندی نیستند و می‌توان عنوان آنها را روشها و سیاستهای حاکم بر دولت گذاشت. به عنوان مثال در مواد ۱۶ الی ۱۸ به برخی سیاستهای حاکم بر انتخابات، تخلفات انتخاباتی، تامین هزینه‌های انتخاباتی و جایگاه صدا و سیما در انتخابات اشاره شده است که جایگاه این موضوعات در قوانین انتخاباتی می‌باشد، یا در ماده ۱۱۵ به نحوه همکاری بین‌المللی ایران در زمینه تبادلات فرهنگی در عرصه بین‌الملل با سایر کشورها اشاره شده است، که این موارد جزو حقوق شهروندی محسوب نمی‌شوند و ذکر آنها در این منشور محل اشکال است.

۳- استفاده از مفاهیم ادبی و حقوقی بدون توجه به معنای دقیق و درست آن، طرح آرمانها به دور از منطق و نظام حقوقی حاکم بر جامعه، کلی‌گویی و مبهم‌گویی در بسیاری از عناوین و عبارات مطروحه در منشور مشهود است. به عنوان مثال در ماده ۲۴ به حق داشتن دولت راستگو و درستکار که به افکار عمومی توجه داشته و از تندروری و خودسری پرهیز می‌کند اشاره شده که بسیار آرمانی است. یا در ماده ۱۱۳ به موضوع محیط زیست و داشتن زندگی و هوای سالم به صورت کاملاً بلندپروازانه اشاره شده است (در این خصوص می‌توان به مواد ۲، ۱۹، ۶۰ نیز اشاره داشت).

۴- بسیاری از حقوق نامبرده شده در منشور همان حقهایی هستند که در قانون اساسی و قوانین دیگر آمده است و هیچ‌گونه ضمانت اجرایی برای استیفای آنها در نظر گرفته نشده است و در منشور صرفاً به آنها تاکید شده است. این موارد یک سری حقوق کلی هستند که در آنها اختلاف نظری وجود ندارد و نیازمند آنند که به جزئیات آنها و شیوه‌های تضمین و بهره‌مندی شهروندان از آنها اشاره شود. در حقیقت به نظر می‌رسد که دولت مجموعه حقوقی که قبلاً وجود داشته را جمع آوری و احصا کرده نه اینکه حقوقی را ایجاد کرده باشد. دولت باید ضمن کشف حقوق شهروندی در پی احترام و ضمانت آنها نیز باشد و باید ملکفی برای تمهید و تسریع این حقوق شهروندی در نظر گرفته شود تا اجرای آن بهبود یابد.

۵- این مصوبه سیاق واحد ندارد و برخی حقها را پررنگ کرده و به برخی دیگر به صورت جزئی نگریسته و حتی برخی از حقوق شهروندان مغفول مانده است. مثلاً به حقوق زنان و کودکان در جای جای منشور تحت عناوین مختلف اشاره شده است ولی به عنوان مثال به حقوق اقلیتها و اقوام که یکی از مسائل مهم کشورهای دارای قومیت‌های مختلف است به صورت جزئی و گذرا

اشاره شده است. همچنین به حقوق اقلیتهای شناخته نشده در قانون اساسی مانند هندوها، بهایی‌ها و حتی یک ایرانی دارای گرایش‌ها مذهبی و اعتقادی متفاوت اشاره نشده است. از جمله موارد مغفول دیگر در منشور می‌توان به حقوق شهروندانی ایرانی که در خارج از کشور زندگی می‌کنند، بحث مالکیت ایرانیان خارج از کشور و حقوق اطفالی که از مادران ایرانی و پدران غیر ایرانی متولد می‌شوند اشاره کرد.

۶- یکی از مهمترین انتقادهای وارده به این منشور این است که از لحاظ نظام حقوق داخلی این منشور چه شانی و جایگاهی دارد؛ یعنی اینکه آیا در زمره قوانین است یا صرفاً برنامه کاری دولت بوده، مصوبه است یا آیین نامه داخلی قوه مجریه محسوب می‌شود. مهمتر اینکه آیا اساساً این منشور قادر به ایجاد حق و تکلیف جدید می‌باشد یا خیر؛ زیرا این امر تنها در صلاحیت مرجع قانون گذار است. با بررسی صورت گرفته مشخص می‌شود که این منشور بیشتر به یک برنامه شبیه است که البته نمی‌توان آن را برنامه به معنای سند راهبردی بالادستی دانست که تمامی نهادها الزام به اجرای آن داشته باشند. بنابراین با توجه به شیوه تدوین و ارائه آن نمی‌توان ماهیت آن را فراتر از یک کد و منشور اخلاقی برای قوه مجریه دانست. همچنانکه در ابتدا و در بخش کلیات آن اشاره شده است، یک بیانیه از جانب رئیس جمهور به ملت ایران بوده و مفاد آن صرفاً خط مشی و اولویتهای دولت و نهادهای مرتبط با آن را مشخص می‌کند و بیشتر دارای شان درون سازمانی است.

۷- نکته بعدی که توجه به آن لازم است این است که در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران وظیفه حمایت و تضمین حقوق شهروندی اساساً با چه نهادی است؟ در پاسخ لازم به ذکر است که قانون اساسی در اصل ۱۵۶ قوه قضائیه را پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی دانسته و بندهای ۲ و ۳ آن وظیفه احیای حقوق عامه، گسترش عدل و آزادیهای مشروع و نظارت بر حسن اجرای قوانین را بر عهده این قوه قرار داده است. از این رو به نظر می‌رسد مسئولیت اولیه در زمینه رسیدگی و تضمین حقوق شهروندی به طور کلی بر عهده قوه قضائیه می‌باشد.

۸- با توجه به تهیه و تدارک این منشور از سوی قوه مجریه، به نظر می‌رسد نویسندگان این منشور از همان بدو امر نگاهی مبتنی بر نظام تضمینات نسبت به اصول مقرر در آن نداشته‌اند. مکانیسمهای اجرا و نظارت بر این منشور به ترتیب مقرر در آن در عمل بسیار مشکل خواهد بود؛ چنانکه در انتهای منشور اجرا و نظارت بر آن بر عهده دستیار ویژه رئیس جمهور بوده و این امر صرفاً در دستگاههای اجرایی تابع قوه مجریه از طریق ارائه گزارش سالانه، اطلاع رسانی، آموزش و ظرفیت سازی صورت خواهد گرفت؛ که این موارد نمی‌توانند به عنوان ضمانت اجرای قابل قبولی برای این سند در نظر گرفته شود. مناسب است با توجه به خلا حقوقی در خصوص حقوق بشر و شهروندی در نظام داخلی، تهیه و ادامه بررسی و تکمیل این چنین اسناد بنیادین در قوه مقننه مطرح گردد تا هم شان قانونی داشته و هم با در نظر گرفتن ضمانت اجرای مناسب برای متخلفان این دست از قوانین، زمینه اجرای و بهره‌مندی کامل شهروندان را از حقوقشان فراهم کند. عبارات و مواد این دست از قوانین باید به صورتی تهیه شود که همه مسئولان و افراد در برابر آن احساس مسئولیت کنند و تخطی از اجرای هر بندی از آن با مجازات مالی و جسمی مواجه باشد. به نظر می‌رسد در نظر گرفتن یک دادگاه مستقل تضمین کننده حقوق شهروندی زیر نظر قوه قضائیه خواه به صورت موازی با سایر محاکم حقوقی، جزایی و... خواه به عنوان یک نهاد عالی تجدید نظر کننده در برابر احکام دادگاههای عمومی، تضمین مناسبتری در جهت تضمین این دست از قوانین باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

حقوق و امتیازات شهروندی در بستر تحولات سیاسی اجتماعی مانند بسیاری از مفاهیم و مولفه‌های زندگی بشری تکامل یافته است. در جامعه‌ای که حقوق شهروندان نهادینه نشده است، رابطه مردم و حاکمیت نیز دچار تزلزل شده و پل ارتباطی بین مطالبات

مردم و زمامداران از میان خواهد رفت. بنابراین در جوامعی که افراد به حقوق و تکالیف خود واقف باشند و حریم یکدیگر را بشناسند، در نتیجه باید شاهد قوام، استمرار و مشروعیت بیشتر نظام سیاسی حاکم باشیم.

تحولات نظامهای سیاسی خودکامه به حکومتهای مشروطه و قانونی و تدوین قوانین اساسی و قرار گرفتن حقوق و امتیازات شهروندان در قوانین اساسی کشورها، سرآغاز تحولی نو در ضرورت پابندی حکومتها به رعایت حقوق شهروندان و اتباع در جوامع بشری محسوب می‌شود. انقلاب اسلامی ایران نیز با صبغه ارزشی و ایدئولوژی اسلامی تلاش نمود، با تدوین قانون اساسی با الهام از آموزه‌های دینی، روابط متقابل میان دولت و مردم، حدود آزادیهای شهروندان و حدود اختیارات قوای حکومتی را مشخص سازد. با توجه به بررسی صورت گرفته شده در این مقاله از منظر نگارنده پیشنهادات و نتایج ذیل در خصوص موضوع حقوق شهروندی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران قابل ذکر است:

۱- قوانین مصوب داخلی در خصوص حقوق شهروندی در ایران را نمی‌توان اقدامی جامع برای تضمین این حقوق و تشریح جزئیات آنچه که کلیات آن در قانون اساسی بیان شده، محسوب داشت. این قوانین جامعیت و مانعیت لازم را از حیث شمول تمامی جنبه‌های حقوق شهروندی دارا نیستند. بهتر آن است که زمینه تعلق شهروندان به جامعه (داخلی و جهانی) در قالب قانونی جامع پیش‌بینی شده و ضمانت‌های اجرایی موثر و کافی برای آنها در نظر گرفته شود.

۲- در بررسی حقوق شهروندی در ایران، باید به دیدگاه و کارکرد دولت و شهروندان و نیز مناسبات اجتماعی در کنار هم پرداخت، نه اینکه همه چیز را تنها برآمده از اراده دولت دانست. اگر تمام اقدار جامعه علاوه بر اینکه حقوق شهروندی را حقی برای خود بدانند، تکلیفی بر خود نیز بدانند و بپذیرند که در تحقق یا نقض حقوق شهروندی، فقط مجریان امور دخیل و مقصر نیستند، حقوق شهروندی اجرایی خواهد شد. بنابراین می‌توان گفت که در حقوق شهروندی، آحاد ملت با دولت دارای مسئولیت مشترک هستند.

۳- شهروندی، یک فرهنگ است، که نیاز به آموختن و نهادینه شدن در طول زمان در تمام عرصه‌های اجتماعی دارد. در واقع امروزه بسیاری معتقدند که افراد و مقامهای دولتی نمی‌توانند شهروندان خوبی باشند، مگر اینکه پیشتر در محیطی مناسب با این مفاهیم آشنا شده و آن را وجدان کرده باشند. سیاست زدگی یا سیاسی کردن بحث حقوق شهروندی به این امر کمک نمی‌کند. طرح برنامه‌های درسی آشنایی با حقوق شهروندی در نظام آموزشی و دانشگاهی کشور و تبلیغات رسانه‌ای و ارگانهای فرهنگی ذیربط می‌تواند نقش بسزایی در ایجاد فرهنگ شهروندمداری ایفا کند.

۴- پیشگام بودن قوه قضائیه در دادرسی و محاکمات عادلانه و پای‌بندی به حقوق شهروندی، بیشترین تاثیر را در زمینه تحقق حقوق شهروندی در میان سایر ارکان حکومتی می‌تواند داشته باشد. تعیین ضمانت‌های کارآمد و موثر برای تخطی از قوانین مربوط به حقوق شهروندی و نظارت مستمر توسط یک ارگان یا دادگاه مستقل و بی‌طرف بر اجرای صحیح آن می‌تواند در این زمینه بسیار مثر و ثمر واقع گردد.

۵- نکته آخر اینکه مجریان قانون و سیاستگذاران نیز باید برای رعایت و اجرای دقیق و صحیح مصوبات مربوط به حقوق بشر و شهروندی، آموزش صحیح ببینند. گفتمان حقوق شهروندی نباید حالت شعاری و صوری پیدا کند، زیرا این حقوق فقط الفاظی بر روی کاغذ نیستند. در دنیای امروزی به اهمیت آنها بیش از پیش تاکید شده است؛ زیرا که این حقوق ریشه در سرشت انسان، آموزه‌های دینی، فقه پویای شیعه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارند.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- ۱- احمدی طباطبایی، سید محمد رضا (۱۳۸۸)، حقوق شهروندی با تاکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه خط اول، رهیافت انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۸.
- ۲- اس، ترنز، برایان (۱۳۸۶)، مفهوم شهروندی، ترجمه جواد کارگزاری، مجله حقوق، شماره ۵۸.
- ۳- افضل، رسول (۱۳۸۹)، حقوق شهروندی در ایران، مجله سیاسی اقتصادی، شماره ۲۷۹-۲۸۰.
- ۴- افلاطون (۱۳۵۵)، جمهوریت، ترجمه فواد روحانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۵- انوری، حسن (۱۳۸۳)، فرهنگ روز سخن، تهران: نشر سخن.
- ۶- آقابخشی، علی و افشاری، مینو (۱۳۸۳)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر چاپار، چاپ اول.
- ۷- پروین، فرهاد (۱۳۹۱)، رابطه متقابل حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی، اندیشه، پژوهشهای اجتماعی اسلامی، سال هجدهم، شماره ۳.
- ۸- پللو، روبر، شهروند و دولت، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۹- پور عزت، علی اصغر و دیگران (۱۳۸۶)، الگوی منطقی منشور حقوق شهروندی بر پایه بررسی تطبیقی اسناد موجود، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶.
- ۱۰- پیران، پرویز (۱۳۸۵)، شهروندی از حقوق تا مسئولیت، نشریه نامه، شماره ۵۳.
- ۱۱- تقی پور، سیروس (۱۳۹۰)، حقوق شهروندی و قوه قضائیه ایران، ماهنامه دادرسی، سال ۱۵، شماره ۸۹.
- ۱۲- جنیدی، فریدون (۱۳۷۸)، حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان در ایران باستان، تهران: نشر بلخ، چاپ اول.
- ۱۳- رضایی پور، آرزو (۱۳۸۵)، حقوق شهروندی، تهران: نشر آریان، چاپ اول.
- ۱۴- السان، مصطفی (۱۳۸۷)، حقوق شهروندی از چشم انداز نظریه شهروندی جهانی و قوانین و مقررات ایران، حقوق بشر، جلد ۲، شماره ۲.
- ۱۵- سلطانی، سید ناصر (۱۳۸۵)، حقوق اجتماعی یا حقوق شهروندی؟ نمونه ای از آشفتگی مفاهیم در نظام حقوقی ایران، مجلس و پژوهش، سال ۱۳، شماره ۵۱.
- ۱۶- سوادکوهی فر، سام (۱۳۸۴)، نگاهی تطبیقی به قوه قضائیه، ماهنامه حقوق شهروندی، سال نهم، شماره ۵۰.
- ۱۷- صادق منش، جعفر (۱۳۷۸)، سیاست جنائی قانونگذار ایران در قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۲-۶۳.
- ۱۸- صدری افشار، غلامحسین (۱۳۷۷)، فرهنگ فارسی امروز، تهران: موسسه نشر کلمه.
- ۱۹- عاملی، سعید رضا (۱۳۸۰)، تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸.
- ۲۰- علیدوستی، ناصر (۱۳۸۸)، پلیس و آموزش حقوق شهروندی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۴.
- ۲۱- فالکس، کیث (۱۳۸۰)، شهروندی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر، چاپ اول.
- ۲۲- فلاح زاده، محمد (۱۳۸۶)، نسبت حقوق شهروندی و حقوق بشر، مجله حقوقی، شماره ۵۸.
- ۲۳- قادری، حاتم (۱۳۸۹)، شهر، نشریه پیام آبادگران، شماره ۹.
- ۲۴- قراچورلو، رزا (۱۳۸۵)، حقوق شهروندی با تاکید بر نقد و بررسی قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مجله وکالت، شماره ۲۹-۳۰.
- ۲۵- کاظمی، علی (۱۳۸۶)، موانع و چالشهای لایحه حمایت از حقوق شهروندی در ایران، مجله حقوقی، شماره ۵۸.
- ۲۶- کلی کیت، اس، پیس (۱۳۸۱)، حقوق بشر و سازمانهای بین المللی، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۳.
- ۲۷- گیدنز، آنتونی (۱۳۵۴)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر فکری ارشاد، تهران: نشر طوس، چاپ سوم.
- ۲۸- مصاحبه با اساتید (۱۳۸۶)، چیستی و چرایی حقوق شهروندی از نظریه تا قانون، مجله حقوقی، شماره ۵۸.
- ۲۹- هاشمی، محمد (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادیهای سیاسی، تهران: نشر میزان، چاپ اول.

(ب) منابع لاتین

۳۰- Fridmann, John (۲۰۰۲), the prospect of cities, Minneapolis: university of Minnesota press.

۳۱- Cohen, R. and Kenedy, P (۲۰۰۰), global socioloty, London, mc Milan press ltd.